

Strategies for Ensuring Women's Sexual and Gender Security in the Light of Family Law Analysis

Seyyed AliAsqar Yaghuobi¹✉, Abdulah Gohari²

¹ PhD., Department of Jurisprudence and Judicial Law, Higher School of Specialized Jurisprudence, Qom, Iran (**Corresponding author**). seyyedaliasqaryaghuobi@gmail.com

² PhD., Department of Jurisprudence and Educational Sciences, Higher School of Specialized Jurisprudence, Qom, Iran. gohari.tale@gmail.com

Abstract

The sexual and gender-based security of women represents a paramount and costly security concern for contemporary governments, one that has frequently produced diminishing returns despite significant investments. A critical factor contributing to the divergence in approaches, methodologies, and solutions aimed at ensuring both security and the perception of security is the pivotal role of gender and its distinctions in this domain. Conventional frameworks frequently assume that the "feeling of security" is a uniform experience across genders. However, this assumption overlooks the societal realities of gender differences and segregation. From a feminist perspective, such an oversight inevitably results in women being disproportionately vulnerable. Given the indispensable role women play in the family and the broader socio-economic fabric of society, men will also gradually face numerous challenges. This study, therefore, seeks to investigate the fundamental question: What policies and mechanisms has Islam established within the framework of family law to ensure sexual and gender security? This research employs a qualitative methodology grounded in a descriptive-analytical approach. Data were collected through a meticulous study and analysis of extensive library resources, including primary Islamic sources and secondary scholarly works in jurisprudence (Fiqh). The process involved describing, classifying, and critically analyzing the relevant religious decrees (Ahkam) related to family structure and gender relations in order to extrapolate the underlying security policies and strategies. The analysis reveals that within the Islamic legal system (Shari'ah), men and women are not positioned equally regarding the provision and experience of security. Gender is established as a fundamental and decisive factor in regulations related to the sustenance system (Nizam al-Ma'ishah) and security provision. This gender-sensitive approach is manifest in various jurisprudential injunctions, such as the obligation of financial provision (Nafaqah) placed upon men and the exemption of women from this duty (ensuring economic security); the prohibition of unregulated mixing between men and women (Ikhtilat) (ensuring sexual and emotional security); and the requirement that a judge be male (ensuring psychological security), among others.

These strategies, derived from various chapters of Islamic jurisprudence, can be categorized into

Cite this article: Yaghuobi, S.A.A. & Gohari, A. (2025). Strategies for Ensuring Women's Sexual and Gender Security in the Light of Family Law Analysis. *Social-Cultural Studies of Hawzah*. 9(2), p. 23-48.
<https://doi.org/10.22034/scs.2025.71801.1415>

Received: 2025-05-25 ; **Revised:** 2025-07-03 ; **Accepted:** 2025-08-12 ; **Published online:** 2025-10-02

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



<https://gnoe.bou.ac.ir/>



two primary groups.

Strategies for Ensuring Sexual Security include:

- The strategy of 'Restraint and Prevention' which emphasizes controlling one's gaze and managing sexual desires.
- The strategy of 'Provision, Health, and Chastity' for spouses which outlines the mutual rights and responsibilities within a marital relationship.

This category begins with encouragement to control sexual instincts and prevent deviance, continues by explaining the necessity of mutual sexual fulfillment (Tamkin) while ensuring the health of sexual relations and protecting women's sexual rights, and concludes by defining the boundaries and modalities of interaction between non-mahram men and women in society.

This includes observing modesty in dress (Hijab), avoiding ostentatious displays (Khod Namaii), shunning obscenity, and generally refraining from any actions that may create a context for sexual provocation or excitation within the community.

Keywords: Sexual security, Gender security, Women's rights, Family laws, Marital relations.

راهکارهای تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان در پرتوی تحلیل احکام خانواده

سید علی اصغر یعقوبی^۱، عبدالله گوهری^۲

^۱ دکتری، گروه فقه و حقوق قضایی، دانشکده عالی فقه تخصصی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

seyyedaliasqaryaghuobi@gmail.com

^۲ دکتری، گروه فقه و علوم تربیتی، دانشکده عالی فقه تخصصی، قم، ایران. gohari.tale@gmail.com

چکیده

در بحث امنیت جنسی و جنسیتی بانوان، آنچه که سزاوار توجه جدی است و موجب تفاوت در رویکردها، روش‌ها و راهکارهای تأمین «امنیت عینی» و «احساس امنیت ذهنی» می‌شود، این واقعیت است که غالباً در پارادایم‌های رایج، «احساس امنیت» برای دو جنس مرد و زن یکسان در نظر گرفته می‌شود. این نگرش مستلزم نادیده گرفتن واقعیت «تمایز جنسیتی» و جایگاه متفاوت افراد در جامعه است. از منظر فمینیستی، چنین نگرشی قطعاً به آسیب‌پذیری بیشتر زنان می‌انجامد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که اسلام در وضع و تشریح احکام خانواده، چه سیاست‌ها و راهکارهایی را برای تأمین امنیت جنسی و جنسیتی مدنظر قرار داده است؟ این پژوهش با رویکردی کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای شامل منابع اولیه، آثار ثانویه فقهی، مقالات تربیتی و... گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در نظام شریعت اسلامی، مردان و زنان از حیث تأمین و احساس امنیت در یک ردیف قرار ندارند و «جنسیت» به عنوان قیدی مهم در احکام مربوط به «نظام معیشتی» و تأمین امنیت عمل می‌کند. راهکارهای مستخرج از این احکام را می‌توان در دو بخش اصلی دسته‌بندی نمود: راهکارهای تأمین امنیت جنسی و راهکارهای تأمین امنیت جنسیتی زنان. شریعت اسلامی مجموعه‌ای منسجم و کارآمد از سیاست‌ها و راهکارهای عملی را در قالب احکام خانواده پیش‌بینی کرده که نقش مؤثری در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی ایفا می‌کند. این راهکارها که از تحلیل احکام فقهی استنباط شده، از نظام‌مندی بالایی برخوردارند. راهکارهای یادشده اسلامی در مقایسه با رویکردهای پیشنهادی برخی دولت‌های غربی معاصر در زمینه حفظ امنیت جنسی و جنسیتی زنان، از انسجام نظام‌مند بیشتری برخوردار بوده و با واقعیات عینی انسانی و اجتماعی تطابق بیشتری دارد.

واژه‌های کلیدی: امنیت جنسی، امنیت جنسیتی، حقوق زنان، احکام خانواده، روابط زناشویی.

استناد به این مقاله: یعقوبی، سید علی اصغر؛ گوهری، عبدالله (۱۴۰۴). راهکارهای تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان در پرتوی تحلیل احکام خانواده. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۹(۲)، ص ۲۳-۴۸. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.71801.1415>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

در عصر حاضر احساس امنیت از تحقق امنیت اهمیت بیشتری پیدا کرده است. لذا، دولت‌ها سوای سیاست‌ها و برنامه‌هایی که برای تأمین امنیت افراد جامعه دارند؛ در پی آن هستند که جامعه و افراد خود را در جامعه‌ای امن احساس کنند؛ فارغ از اینکه آیا در واقع امنیت وجود دارد یا خیر؟! اما آنچه بیش از همه حائز اهمیت است، نقش جنسیت و تمایز آن در احساس امنیت است. بدین معنا که عموماً «احساس امنیت» برای هر دو جنس به طور یکسان در نظر گرفته می‌شود. اینگونه برخورد مستلزم چشم‌پوشی از واقعیت تمایز و تفکیک جنسیتی افراد جامعه است. از نگاه شریعت اسلامی، زنان به خاطر ویژگی وابسته‌شان در جامعه، مستلزم احکامی متناسب با جنسیت خودشان هستند. چرا که نیاز به ایمنی در مورد زنان، چه در جنبه جنسی و چه جنسیتی، اهمیت خاص خود را دارد. از طرفی تأمین احساس امنیت اجتماعی عمدتاً با شناخت رفتارهایی صورت می‌گیرد که به افزایش امنیت در سطح اجتماع منجر می‌گردد. از این‌رو شناخت آموزه‌های دینی و گسترش آن می‌تواند نقش مهمی در کم کردن بی‌عدالتی و ایجاد امنیت داشته باشد. در نتیجه، با گسترش معنویت و همدلی در جامعه، تا حد مطلوبی می‌توان از احساس ناامنی در زندگی اجتماعی کاست (خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۶). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که داشتن اعتقادات دینی، عمل به آداب و احکام و شرکت در فعالیت‌های مذهبی باعث کنترل پرخاشگری می‌شود (شهیدی، ۱۳۹۷). گیدنز معتقد است که دین وسیله سازمان‌دهنده احساس امنیت است (گیدنز، ۱۳۷۷). شریعت اسلامی نیز راهکار اصلی برای پیشگیری از عمده ناامنی‌های اجتماعی را در شناخت و عمل به احکام و آداب خود معرفی نموده است. برای مثال، اقامه نماز را مانع ظهور مفاسد اجتماعی همچون فحشاء و منکر در جامعه دانسته و می‌فرماید: «آنچه از این کتب را بر تو وحی نموده‌ایم، بخوان و اقامه نماز کن؛ که همانا نماز از فحشاء و منکر باز می‌دارد» (عنکبوت، ۴۵). بر همین سیاق می‌توان به الگوی تربیتی اسلام مبتنی بر روزه‌داری، اقامه فریضه حج و امثال آن اشاره داشت که هر یک به نوعی در مدیریت آسیب‌های اجتماعی به شکل نرم‌افزاری و بنیادین مؤثر بوده و نشان می‌دهد که مبانی گفتمان اسلامی، غیرامنیتی دیدن آسیب‌های اجتماعی است (افتخاری، ۱۳۹۷). یکی از حوزه‌های مهم که اسلام احکام، آداب و توصیه‌های مفیدی در حفظ امنیت فردی و اجتماعی افراد، بویژه بانوان دارد، احکام مربوط به حوزه خانواده است که نشان می‌دهد باور به این آداب و توصیه‌های دینی و التزام حداکثری به آنها می‌تواند در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و ایمن نقش بالایی داشته و از این طریق راه را به ظهور بسیاری از تهدیدات امنیتی و حفاظتی سد نماید.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به امنیت زنان را می‌توان به طور کلی در چند دسته اصلی جای داد. پژوهش حاضر در تقاطع این حوزه‌ها قرار می‌گیرد و آن را نو و متمایز می‌سازد.



۲-۱. مطالعات فمینیستی سکولار درباره امنیت زنان

تحقیقات این حوزه معمولاً بر مفاهیمی مانند «حق بدن»، «آزادی جنسی»، «برابری جنسیتی مطلق» و نقد ساختارهای مردسالارانه تأکید دارد. همچنین امنیت را عمدتاً در «نبود تبعیض» و «دسترسی برابر به قدرت و منابع» تعریف می‌کنند. ازجمله، پژوهشی با عنوان «بازخوانی امنیت زنان در گفتمان فمینیستی» اثر میراحمدی (۱۳۹۲)؛ کتاب «جنس دوم» اثر سیمون دوبووار^۱ (۱۴۰۴) که زن بودن را یک سازه اجتماعی دانسته و امنیت زن را در گرو رهایی از این سازه می‌داند. همچنین پژوهشی با عنوان «قلمرو بدن زن: امنیت، لذت و خودمختاری» اثر وتورا (۲۰۱۸) که بر حق مالکیت بر بدن و آزادی جنسی به عنوان اساس امنیت زنان تأکید داشته و بر رویکرد عبور از قیدوبندهای سنتی و حرکت به سمت جامعه‌ای با نقش‌های جنسیتی کاملاً سیال دلالت دارد.

۲-۲. مطالعات امنیت اجتماعی با رویکرد غربی

این مطالعات بر شاخص‌های عینی مانند نرخ تجاوز، خشونت خانگی، آزار خیابانی و شکاف دستمزد متمرکز هستند. راهکارهای آنان عمدتاً حول محور «قانونگذاری سخت‌گیرانه»، «افزایش نظارت پلیسی»، «توانمندسازی اقتصادی زنان» و «فرهنگ‌سازی از طریق آموزش‌های عمومی» می‌چرخد. در آثاری چون «چارچوبی برای پیشگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت» اثر سازمان جهانی بهداشت^۲ (۲۰۱۹) تمرکز بر تدوین قوانین بازدارنده، خدمات حمایتی به قربانیان و تغییر نگرش‌های اجتماعی است. همچنین کتاب «امنیت جنسیتی و حکمرانی لیبرال» اثر هادسون (۲۰۲۰) امنیت زنان را در چارچوب دموکراسی‌های لیبرال و از طریق توانمندسازی سیاسی و اقتصادی تحلیل کرده است.

۲-۳. مطالعات اسلامی با محوریت حقوق زنان در خانواده

تحقیقات این حوزه بسیار غنی است، اما معمولاً به صورت پراکنده و متمرکز بر یک حکم خاص (مثل نفقه، حجاب، مهریه) بررسی شده‌اند. تحقیقاتی مانند «بررسی فقهی حقوق مالی زن در اسلام»، «تحلیل جامعه‌شناختی حجاب» یا «حقوق متقابل زوجین در قرآن» در این دسته جای می‌گیرند و اغلب به نظام یکپارچه و فلسفه کلان امنیت‌آفرین پشت این احکام متفرق نپرداخته‌اند. تحلیل آن‌ها یا کاملاً فقهی-توصیفی است یا جامعه‌شناختی-آماري؛ بدون اینکه این احکام را به عنوان یک «سیستم امنیتی هدفمند» معرفی کنند. به عنوان نمونه پژوهش «نفقه زن در فقه اسلامی» اثر محقق داماد (۱۳۹۲) به تحلیل تک‌بعدی حکم نفقه به عنوان یک حق مالی می‌پردازد، بدون اینکه آن را به سیستم جامع امنیت جنسیتی ارتباط دهد. کتاب «حجاب و امنیت اجتماعی» اثر سلطانی (۱۳۸۳) نیز تنها به رابطه حجاب و

1. Simone de Beauvoir

2. <https://www.who.int/publications/i/item/WHO-RHR-18.19>



امنیت اجتماعی می‌پردازد، بدون اینکه آن را به عنوان بخشی از یک راهبرد کلان مهار و پیشگیری در کنار سایر احکام تحلیل کند. مقاله «امنیت اخلاقی از منظر قرآن کریم» اثر مومنی (۱۳۸۷) نگاهی کلی به امنیت اخلاقی دارد و فقدان طبقه‌بندی راهبردی بین امنیت جنسی و امنیت جنسیتی دارد. مقاله حاضر از چند جهت کاملاً نو و بدیع است:

۱) تفاوت در «مبنا و تعریف امنیت»: در حالی که پیشینه یاد شده امنیت را عمدتاً به صورت «فقدان تهدید فیزیکی یا تبعیض قانونی» تعریف می‌کند. مقاله حاضر امنیت را به صورت چندلایه و شامل «امنیت جنسی، عاطفی، اقتصادی و روانی» تعریف کرده است. این نگاه جامع، خود یک نوآوری محسوب می‌شود.

۲) تفاوت در «چارچوب تحلیلی»: در پیشینه مذکور، مطالعات یا صرفاً «فقهی-توصیفی» هستند یا «جامعه‌شناختی-انتقادی». حال آنکه در این مقاله سعی شده از یک چارچوب «سیاست‌گذارانه امنیت‌محور» استفاده شود؛ به شکلی که احکام پراکنده فقهی را نه به عنوان تکالیف فردی، بلکه به عنوان «سازوکارهای (مکانیزم) یک سیستم یکپارچه برای ایجاد امنیت» تحلیل می‌کند. این تحلیل، فلسفه اجتماعی احکام را آشکار می‌سازد.

۳) تفاوت در «ارائه راهکار نظام‌مند»: پیشینه یاد شده راهکارها را عموماً در قالب توصیه‌های کلی (مانند آموزش، قانون) یا دفاع از یک حکم خاص (مانند تأکید بر حجاب) ارائه می‌دهند. اما در این مقاله برای اولین بار یک «طبقه‌بندی استراتژیک» ارائه شده است، شامل:

راهبرد کلان اول: تأمین امنیت جنسی (شامل راهکارهای مهار و پیشگیری، تأمین سلامت و عفاف)،
راهبرد کلان دوم: تأمین امنیت جنسیتی (شامل راهکارهای تکریم، حسن معاشرت و تأمین اقتصادی).
 این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که اسلام یک «بسته سیاستی» کامل و به هم پیوسته دارد، نه یک‌سری احکام مجزا.

۴) تفاوت در «نقطه عزیمت و نتیجه‌گیری»: پیشینه فوق و بسیاری از مطالعات اسلامی در این خصوص غالباً در موضع دفاعی هستند. لکن این مقاله در موضع «ارائه یک الگوی جایگزین و برتر» قرار دارد که در آن با مقایسه ضمنی نظام اسلامی با نظام‌های غربی، نشان داده شد که نظام اسلامی نه تنها ناقص نیست، بلکه به دلیل تطابق با واقعیات عینی انسانی و اجتماعی، از «تطابق و نظام‌مندی بیشتری» برخوردار است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای شامل منابع اولیه اسلامی و آثار ثانویه فقهی گردآوری شده‌اند.



فرآیند تحقیق، مبتنی بر توصیف، دسته‌بندی و تحلیل احکام مرتبط با نهاد خانواده و روابط جنسیتی به منظور استخراج سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی نهفته در آن‌ها بوده است.

۴. یافته‌ها

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در نظام شریعت اسلامی، مردان و زنان از حیث تأمین و احساس امنیت در یک ردیف قرار ندارند و «جنسیت» به عنوان قیدی مهم در احکام مربوط به «نظام معیشتی» و تأمین امنیت عمل می‌کند. این سیاست جنسیت‌محور، در احکام فقهی گوناگونی همچون «وجوب تأمین نفقه و اقتصاد، برعهده مرد و استثنای زنان از آن» (تأمین امنیت اقتصادی)، «حرمت اختلاط زن و مرد نامحرم» (تأمین امنیت جنسی و عاطفی) و «شرط مرد بودن قاضی» (تأمین امنیت روانی) که در ابواب مختلف فقه قابل ردیابی هستند، متجلی شده است. راهکارهای مستخرج از این احکام را می‌توان در دو بخش اصلی دسته‌بندی نمود:

۱) راهکارهای تأمین امنیت جنسی: این راهکارها شامل موارد زیر است:

- ♦ راهکار «مهار و پیشگیری» با تأکید بر حفظ نگاه و کنترل غریزه شهوانی.
- ♦ راهکار «تأمین سلامت و عفاف» برای زوجین.

این دسته از راهکارها، با تشویق به کنترل و مهار غریزه جنسی و پیشگیری از انحرافات آغاز شده، با تبیین لزوم «تمکین جنسی» متقابل زوجین در کنار تضمین سلامت روابط جنسی و حقوق جنسیتی زنان ادامه یافته و با بیان حدود و شیوه‌های تعامل زن و مرد نامحرم در جامعه (مانند رعایت حجاب، پرهیز از خودنمایی و هرزه‌نگاری و اجتناب از ایجاد هرگونه زمینه تحریک جنسی) به پایان می‌رسد.

۲) راهکارهای تأمین امنیت جنسیتی زنان: این راهکارها شامل موارد ذیل است:

- ♦ ضرورت «تکریم زن» در نقش‌های مادری و همسری در خانه و جامعه،
- ♦ لزوم «حُسن معاشرت و اطاعت‌پذیری زن از مرد،
- ♦ وجوب «تأمین اقتصادی زنان از سوی همسران.

نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که شریعت اسلامی، مجموعه‌ای منسجم و کارآمد از سیاست‌ها و راهکارهای عملی را در قالب احکام خانواده پیش‌بینی کرده که نقش مؤثری در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی ایفا می‌کند. این راهکارها که از تحلیل احکام فقهی استنباط شده، از نظام‌مندی بالایی برخوردارند. راهکارهای یادشده اسلامی در مقایسه با رویکردهای پیشنهادی برخی دولت‌های غربی معاصر در زمینه حفظ امنیت جنسی و جنسیتی زنان، از انسجام نظام‌مند بیشتری برخوردار بوده و با واقعیات عینی انسانی و اجتماعی تطابق بیشتری دارد. شناخت و تحلیل این بایدها و نبایدهای شرعی می‌تواند سهم بسزایی در کاهش بی‌عدالتی، ایجاد امنیت، گسترش معنویت و همدلی در جامعه و کاستن از احساس ناامنی در زندگی اجتماعی داشته باشد.

۵. مفاهیم پژوهش

۵-۱. امنیت

کلمه «امن» در لغت ضدّ «خوف» است. در لسان العرب آمده است: الأمن، ضدّ الخوف (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳، ص ۲۱). فیومی با ذکر مثال: «أمن زيد الاسد امنا» معنای امنیت را آرامش و زوال ترس یاد نموده است (فیومی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴). همچنین راغب اصفهانی این واژه را چنین معنا کرده است: در اصل آرامش خاطر و از بین رفتن بیم و هراس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۰). امنیت در اصطلاح دارای دو معنای عینی (ایجابی) یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان؛ و معنای ذهنی (سلبی) یعنی نبود ترس اجبار و تهدید می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۸). امنیت عبارت است از رهایی از ترس و اضطراب و اطمینان داشتن نسبت به حفظ ارزش‌ها (میرعرب، ۱۳۷۹). در تعریفی دیگر از امنیت آمده است: «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

۵-۲. جنس و جنسیت

مفهوم «جنس» بیان‌کننده آن است که فرد خود را مذکر یا مؤنث بشناسد. هر کودکی تا سن ۲-۳ سالگی، تقریباً با قاطعیت می‌تواند بگوید: «من یک پسر» یا «من یک دخترم». هرچند وجود کروموزوم‌های زنانه، تخمدان‌ها و... برای تعیین جنسیت زن، اهمیت زیادی دارد؛ اما برخورداری از احساس زنانه برای زن بودن اهمیت بیشتری دارد. از این‌رو زمانی که از جنس سخن به میان می‌آید، منظور ویژگی‌های بیولوژیک بدن است که توسط ژن‌ها رقم می‌خورد و غیرقابل تغییر است. جنس فقط معنای زیست‌شناختی دارد؛ یعنی شخصی از نظر پیکرشناسی مرد یا زن است (ابوت و والاس، ۱۳۸۸، ص ۳۱). اما جنسیت یک مقوله اجتماعی است که بر مفاهیم مردانگی و زنانگی در فرایند جامعه‌پذیری افراد تأکید دارد (مرعشی، ۱۳۹۰، ص ۱۷). تفاوت‌های جنسیتی جنبه فرهنگی دارد؛ به عبارت دیگر این فرهنگ است که نقش‌ها را برای دو جنس رقم می‌زند. انسان از نظر جنسیت در سه گروه مردانگی، زنانگی و دوجنسیتی قابل گروه‌بندی است (نرسیسیانس، ۱۳۸۳، ص ۳۱). به عقیده رابرت استولر غالباً بین این دو مفهوم هماهنگی وجود دارد؛ یعنی جنس مردها مردانه و جنس زن‌ها زنانه رفتار می‌کنند؛ اما گاهی ممکن است بین جنس و جنسیت به صورت متضاد یا متعارض نیز رشد کنند (کجیاف، ۱۳۸۴).

۵-۳. امنیت جنسی

در تحلیل و تبیین امنیت جنسی به صورت عموم محققان به اسباب و عواملی اشاره می‌کنند که امنیت را در حوزه مسائل جنسی مختل می‌سازد. لذا، با توجه به تعریفی که از امنیت گذشت، می‌توان امنیت



جنسی را اینچنین تعریف کرد: امنیت جنسی در معنای عینی خود یعنی فقدان تهدید نسبت به هرگونه تعرض، تجاوز و تحقیر جنسی که بدون رضایت ارتکاب یابد. در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه شخص در حوزه مسائل جنسی مورد تجاوز قرار گیرد. به عنوان نمونه در مقاله «پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی» نویسندگان در مقام بیان فرضیه‌های جنسی به صورت مکرر به عوامل عینی محل امنیت جنسی اشاره کرده و بیان می‌دارد: «فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که: بین نوع پوشش زنان و امنیت جنسی آنان رابطه وجود دارد؛ به نحوی که هرچه پوشش بدنشان کامل‌تر باشد، تجربه آزارهای جنسی، زبانی و فیزیکی آنان و نیز احساس ترس آنان در فضای عمومی کمتر است. مفهوم امنیت جنسی را می‌توان مقارن با دو اصطلاح سوءاستفاده یا خشونت جنسی نیز مورد بررسی قرار داد. تهدید امنیت جنسی به صورت‌ها و مصادیق مختلفی امکان‌پذیر می‌باشد. به عنوان نمونه رفتارهای ذیل مصادیقی از نقض و تهدید امنیت جنسی است.

- ◆ بوسیدن و لمس کردن که فرد مقابل تمایلی به آن ندارد،
- ◆ هرگونه اعمال جنسی که با خشونت و درد همراه است،
- به نمایش گذاشتن اعضاء جنسی،
- تعقیب اشخاص به منظور ارتکاب آزار و اذیت جنسی،
- قرار دادن تصاویر برهنه فرد در اینترنت بدون رضایت وی،
- اغوا یا اغفال افراد از طریق دادن مشروب یا مواد مخدر، برای اینکه قدرت انتخاب وی برای برقراری رابطه جنسی و یا رفتارهای جنسی، کم و مختل شود،
- ◆ برقراری رابطه جنسی با کسی که خواب است یا بشدت تحت تاثیر مشروب و یا مواد مخدر قرار گرفته است،
- ◆ بیان یا نشان دادن داستان‌های حاوی مطالب جنسی و مبتذل یا نشان دادن تصاویر مستهجن به اشخاص به منظور اغفال، اغوا یا اجبار، ارباب و سوءاستفاده جنسی از افراد،
- ◆ هرگونه رفتار جنسی با کودکان، مجانین، و اشخاص با معلولیت ذهنی.

۴-۵. امنیت جنسیتی

با توضیحی که از واژه جنسیت گذشت، امنیت جنسیتی زنان ناظر به نقش و جایگاه زنان در اجتماع است، که باید به عنوان یک حق مورد احترام و پاسداشت قرار گیرد. هر علت و سببی که موجب شود این نقش و جایگاه که حق طبیعی زنان است، به خطر افتد، به عنوان عامل ضد امنیت جنسیتی شناخته می‌شود.

۵-۵. حکم

حکم: به معنای منع از ظلم و ستم است (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۹).



- ♦ حکم: به معنای منع است برای اصلاح (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۴۸). در لغت‌نامه دهخدا از حکم به معانی ذیل یاد شده:
 - ♦ حکم: بازداشتن از کاری،
 - ♦ حکم: امر کردن،
 - ♦ حکم: فرمان دادن است (دهخدا، ۱۳۳۹ق، ج ۶، ص ۸۰۴).
- احکام شرعی در اصطلاح فقهی، قانون‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نظر دین را در مورد هر کدام از رفتارهای انسان بیان می‌کنند (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۵۰). حکم به لحاظ تعلق حکم به فعل مکلف به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به دو حکم تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شود. حکم تکلیفی که بر پنج قسم است: وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و اباحه (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۶۴-۶۵)، به صورت مستقیم به فعل مکلف تعلق می‌گیرد؛ و وظیفه او را در ابعاد مختلف زندگی، اعم از شخصی، عبادی، خانوادگی و... مشخص می‌سازد؛ مانند حرمت نوشیدن شراب و وجوب نماز (صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۲).

۵-۶. خانواده

خانواده در عین بداهت عرفی، اما به لحاظ حقوقی تعاریف متعددی از آن قابل ارائه است. «گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند» (ساروخانی، ۱۳۷۵). «خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر براساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند» (قنادان، ۱۳۷۵، ص ۱۴۸). سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف می‌کند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند» (نجاریان، ۱۳۷۵، ص ۱۹). طبق تعاریف یاد شده، آنچه موجب به رسمیت شناخته شدن خانواده است، در ابتدا پیوند زناشویی بین زن و مرد، و در مرحله بعد هم‌خونی عده‌ای مانند خواهر و برادر و در انتها پذیرش حضانت و نگهداری از فرزند دیگری می‌باشد.

۵-۷. احکام خانواده

طبق تعریفی که از حکم گذشت، می‌توان گفت: «احکام خانواده مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی است که موضوع آن بیان حقوق و تکالیف اعضای خانواده و مسائلی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مربوط به رفتار و افعال اعضای خانواده است». از این‌رو عمده‌ترین موضوعات



عبارتند از: ازدواج، حقوق و تکالیف همسران نسبت به یکدیگر، شناخت محرم و نامحرم و احکام مختص پوشش و نگاه مربوط به هر یک، و احکام مربوط به فرزندآوری و فرزندان.

۶. مبانی امنیت جنسی و جنسیتی بانوان در اسلام

نگاه اسلام به موضوع و مسائل جنسی و جنسیت، براساس مبانی است که واقع‌بینانه و مطابق با نیازهای بشری است. لذا، برای پرداختن به تأمین امنیت جنسی و جنسیتی بانوان در اسلام، ضروری است ابتدا به مبانی آن توجه شود.

۶-۱. مبانی امنیت جنسی بانوان در اسلام

تأمین امنیت جنسی بانوان در نظام خانواده براساس مبانی و راهکارهای فطری است که شناخت و رعایت آن، موجب ایمنی و تأمین امنیت جنسی بانوان می‌شود.

۶-۱-۱. طبیعی بودن غریزه جنسی در انسان و توجه به آن به عنوان یک نیاز

در دین یهود، از یک‌سو زن، گناه‌آلود و ناپاک معرفی شده و از سوی دیگر توصیه شده که در پرتو ازدواج، ارضای تمایلات جنسی به درون خانواده منتقل شود و زن در خانواده مورد حمایت قرار گیرد. براساس چنین اعتقادی، یهود، نگرشی دوگانه و متضاد در این زمینه ارائه می‌دهد. در مسیحیت نیز، نسبت به زن نگرش یکسانی وجود ندارد؛ با وجود اینکه زنان را به رهبانیت دعوت می‌کند، آنان را به واسطه امکان برقراری روابط جنسی با مردان، دل‌فریب دانسته و در این صورت، سرکوب شهوت جنسی را به مردان سفارش نموده و خواسته است تا در این جهت به کلیسا روی آورند (کجباف، ۱۳۸۴). اما اسلام بدون ابراز هیچ دیدگاه منفی به جنسیت زنان، به صورت کلی ارضای تمایل جنسی را در نظام خانواده و در پرتو ازدواج امری پسندیده به حساب آورد و بر آن تأکید ورزید و به زن و مرد به صورت یکسان اجازه داد که تمایل جنسی خود را از طریق آمیزش با همسر خویش ارضاء کنند. آیه ۱۸۷ سوره بقره ناتوانی برخی را از خویش‌داری در زمان ممنوعیت آمیزش با همسر بیان می‌کند و می‌توان برداشته شدن این ممنوعیت در شب‌های ماه رمضان را پاسخی به نیاز غریزی بشر دانست: «... عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَشِّرُوهُمْ...»؛ چنان‌که آیه ۱۸۷ سوره بقره که مردان را از ترک آمیزش بیش از چهار ماه با همسران خویش منع می‌کند نیز به این نیاز غریزی زنان اشاره دارد که مردان می‌بایست این نیاز و حق آنان را برآورند. هدف اصلی از آمیزش جنسی در اسلام بقای نسل است. در آیه ۲۲۳ سوره بقره آمده است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ ... وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ»؛ اطلاق «کشت‌زار» بر زنان نشان می‌دهد که بقای نسل انسان از اهداف آمیزش است. از اهداف دیگر آن احساس انس و آرامش روحی و روانی در پی ارضای سالم و صحیح غریزه جنسی است. در آیه ۲۱ سوره روم آمده: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ



أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، «و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است». از این رو در اسلام به هیچ وجه سرکوب غریزه جنسی جایز دانسته نشده است؛ بلکه هرگاه امکان ازدواج فراهم نباشد، به «استعفاف» «خویش‌داری» و «مهار غریزه جنسی» امر می‌شود. قرآن کریم در سوره نور (۳۳) می‌فرماید: «وَلِيَسْتَعْفِفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يَغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، «و آنان که امکان ازدواج ندارند، باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف خود بی‌نیاز گرداند». عفت نفس به معنی کنترل غریزه جنسی است. در این معنا، کسانی که از لحاظ مالی یا آمادگی روحی، امکان ازدواج ندارند، با شیوه‌های خاصی همچون روزه گرفتن، پرهیز از هرگونه رفتار تحریک‌کننده غریزه جنسی و مشغول شدن به یاد خدا، به کنترل غریزه جنسی توصیه شده‌اند. اندیشمندان غربی همچون هنری ماسن^۱ (۲۰۰۴) نیز معتقدند که نیاز جنسی در رده نیازهای جسمانی یا نیازهای حیاتی اولیه قرار دارد (بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۷).

۶-۲. مبانی امنیت جنسیتی بانوان در اسلام

در نظام شریعت اسلامی گاهی انسان با قید تجرید از جنسیت مورد خطابات متعدد قرار می‌گیرد، که به این معنا است که از نظر شریعت در احکام و خطابات اصلی که سعادت و هدایت انسان مقصود بوده، جنسیت هیچ مداخلیت و موضوعیتی نداشته، و زن و مرد از یک ارزش برخوردار هستند گاه جنسیت خاصی موضوع خطاب و احکامی قرار می‌گیرد که آن احکام بیانگر حقوق و تکالیفی است که متناسب با آن جنسیت می‌باشد. از این رو در نظام شریعت اسلامی بانوان به حکم انسانیت، نه تنها ارزشی برابر با مردان دارند، بلکه در تشریع احکام مربوط به نظام معیشت، به جهت حفظ حقوق آنان، احکامی پیش‌بینی و وضع شده که متناسب با جنسیت وی باشد.

۶-۲-۱. نقش و جایگاه جنسیت در اسلام

در آموزه‌های اسلامی تفکیک جنسیت زن و مرد مورد پذیرش و بر مبنای آماده‌سازی آنان برای قبول وظایف و مسئولیت‌ها در جامعه است. به عنوان مثال تأکید به زمینه‌سازی انجام مسابقات برای پسران (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵، ۴۸۱)، توجه به روحیات دختران و زنان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰؛ ج ۲۸، ص ۵۱۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۸۲)، یاد دادن اصول خانه‌داری به آنها، پرهیز زنان و مردان از تشبه به یکدیگر در پوشش (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۱۱)، برشمردن وظایف مردانه و زنانه برای هرکدام مانند تمکین زن از مرد و خودآرایی زنان برای مردان (همان، ج ۲۰، ص ۱۵۷؛

1. Paul henry mussen



اعراف، ۱۸۹) و سفارش به نیکو شوهرداری زنان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۱۶) و از سوی دیگر مدیریت مرد بر زن، و اطاعت‌پذیری زن از مرد (نساء، ۳۴) از جمله دلایل رسمیت داشتن نظام تفکیک جنسیتی در اسلام است. علاوه بر آن، هر عقل سلیمی نیز می‌پذیرد که هرکس متناسب با توان و استعداد خود باید مسئولیت پذیرفته و برحسب همان، استحقاق پاداش و کیفر را خواهد داشت.

۷. راهکارهای تأمین امنیت جنسی و جنسیتی بانوان در تحلیل احکام خانواده

همانطور که گذشت، خانواده موضوع یک‌سری احکام و قوانینی است که شریعت اسلام با توجه به مبانی پیش‌گفته تشریع نموده است. این احکام که بیانگر حقوق و تکالیف بین اعضای خانواده و با هدف تنظیم روابط آنان است؛ از یک‌سری سیاست‌هایی پیروی می‌کند که به صورت کلی تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی اعضای خانواده است.

۷-۱. کارکرد نهاد ازدواج و تشکیل خانواده در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان

خداوند در شریعت اسلام که کامل‌ترین دین است، در قالب احکام و دستورات شرعی، نظامی را برای خانواده تنظیم نموده است، که در چارچوب آن نیازهای متعدد اعضاء تأمین، و سعادت آنان تحصیل خواهد شد.

۷-۱-۱. ازدواج و تأمین امنیت جنسی زنان

رضایت جنسی برای یک رابطه صمیمی حیاتی است، تا جایی که آن را عامل شکست یا موفقیت رابطه زوجی می‌دانند. نارضایتی از رابطه جنسی می‌تواند به مشکلات عمیق در روابط زوجین و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، رقابت، حس انتقام‌گیری، تحقیر، نبود اعتماد به نفس و نظایر آن منجر شود (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۶). رابطه جنسی ممکن است از مهم‌ترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد؛ زیرا اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد، منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی و در نتیجه ازهم‌پاشیدگی خانواده می‌شود (بخشایش و همکاران، ۱۳۸۷). مسائل جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل درجه اول زندگی زناشویی قرار می‌گیرند. نیکولز^۱ تکالیفی را برای رسیدن به مرحله توافق در روابط زناشویی بیان می‌کند که یکی از آنها برقراری رابطه جنسی ارضاء‌کننده برای هر دو طرف است (بخشایش و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین به گفته برخی کارشناسان، نارضایتی جنسی از مهم‌ترین عوامل طلاق است و بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها ناشی از مشکلات و اختلالات جنسی می‌باشد. برخلاف برخی گمان‌ها، رابطه جنسی زن و مرد نه تنها یک رابطه جسمی شهوانی نیست، بلکه آثار بسیاری در روابط زناشویی دارد، این رابطه برای مردان عاملی برای

1. Nichols



تقویت حس اعتماد به نفس، رهایی از تنش های روزانه، افزایش صمیمیت و بالا بردن حس حمایت گری آنان از زنان است. تأثیر روابط جنسی در استحکام زناشویی به قدری است که برخی ابراز کرده اند با وجود علاقه بسیاری که به همسر خود دارند، دیگر قادر به ادامه زندگی با او نیستند؛ زیرا او همواره از برقراری رابطه جنسی طفره می رود. ناکامی جنسی در مردان آثاری از قبیل افسردگی، کم حرفی با همسر، افزایش احتمال روابط مشروع یا نامشروع با دیگران، تمایل به اعتیاد و بی انگیزگی را در پی خواهد داشت و این ناکامی در زنان به دلیل آنکه نیاز جنسی خود را صراحتاً بیان نمی کنند، احتمال ناسازگاری، بهانه جویی، سلطه گری، سرگرم کردن خود به امور مختلف، خودنمایی جنسی و حتی برقراری روابط نامشروع را افزایش می دهد (قاسمی، ۱۳۸۷). آقامحمدیان شهرباف و همکاران (۲۰۰۳). در پژوهش بررسی رضایتمندی زناشویی و رابطه آن با طلاق؛ درباره ۶۰ زن مطلقه و غیرمطلقه مشخص کردند که عدم رضایت مندی زناشویی، در طلاق نقش بسزایی دارد. دکتر معصومه صابریان و همکاران در تحقیق مشکلات جنسی در بروز خشونت خانگی نشان دادند که نامناسب بودن کمیت و کیفیت روابط زناشویی، در بیشتر مواقع با لجبازی، قهر و ترش رویی و سایر موارد خشونت خانگی ارتباط تنگاتنگ دارد. همچنین دکتر مهناز دهکردی در تحقیقی با عنوان *اثربخشی روابط جنسی بر رضایت از زندگی و پیشگیری از طلاق*؛ مطالعه ای روی زنان متأهل ۱۸ تا ۵۰ سال انجام دادند که مشخص شد با افزایش میزان رضایت جنسی زنان، می توان به ادامه زندگی و سازگاری زناشویی زوجین کمک کرد. نتیجه پژوهشی درباره متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع های قضایی خانواده (۱ و ۲) شهر تهران نیز حاکی از آن است که ۶۶/۷ درصد مردان و ۶۸/۴ درصد زنان از زندگی جنسی با همسران شان راضی نبودند (فروتن و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۸). بنابراین، نظر به نتایج پژوهش های یاد شده، رضایتمندی زوجین از رابطه جنسی بیشترین تاثیر را در امنیت جنسی زنان در خانه دارد. از این رو امر شارع مقدس به لزوم تمکین از نگاه و بعد تربیتی سبب رشد و بالندگی زوجین در ابعاد متعدد شخصیت انسانی از جمله مسئولیت پذیری، ایثار و از خودگذشتگی و حفظ امنیت جنسی آنان خواهد شد. علاوه بر آن، تمکین زوجین از یکدیگر بسترساز کانونی گرم و زمینه رشد و تربیت سالم و صحیح فرزندان خواهد شد. شریعت اسلام در تحکیم روابط زناشویی توصیه های متعددی دارد، که مستحب است زوجه به آنها پایبند باشد. مهم ترین توصیه در تمکین جنسی زن این است که در هیچ حالتی، حتی هنگامی که مرد اشتیاقی به سمت زن نشان نمی دهد، خودآرایی و زینت و همچنین بروز اشتیاق و آمادگی به سوی مرد با بهره گیری از حالاتی زیبا و نیکو را ترک نکند. به این مفاهیم در روایات دیگری نیز اشاره شده و زن را به افزایش اشتیاق و آمادگی، کم کردن حیاء و نیز رفع موانع رابطه جنسی توصیه کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۶؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۶۴). چنین احادیثی حکایت از آن دارد که دین مبین اسلام وظیفه زن در تمکین جنسی را فراتر از رفع حاجت مرد می داند و از همین رو است که بر تأثیر و نقش فعالانه زن در روابط



زناشویی تصریح و تأکید می‌کند. در واقع خودآرایی و زینت زن و محبت و اشتیاق وی موجب جلب توجه بیشتر مرد گردیده و باعث خواهد شد، مرد نیز به همان مراتب سعی در ایجاد اشتیاق و محبت زن کند. مضاف بر آنکه این تبادل محبت و اشتیاق مانع از آن خواهد شد که وی جذب زنانی شود که احیاناً با خودآرایی و خودنمایی قصد در جلب توجه مردان را دارند. از سوی دیگر، توصیه‌های استحبابی نیز به مردان مبنی بر لزوم نظافت، زینت و نیز انجام دادن امور مقدماتی در مباشرت با همسر دیده می‌شود که در راستای افزایش کیفیت روابط زناشویی و توجه به نیازهای زوجه بوده و اهمیت نقش مرد در حفظ عفت زن را متذکر می‌گردد. در این باره نقل شده که راوی می‌گوید: «بر حضرت امام هفتم وارد شدم که به رنگ سیاه خضاب بسته بودند؛ ایشان فرمود: در خضاب پاداش و ثواب است، خضاب و زینت مرد بر عفت زنان می‌افزاید، همانا زنانی عفت خود را رها می‌کنند که شوهرانشان خود را زینت نکرده و ژولیده و کثیف ظاهر می‌شوند» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۰). همچنین در روایات اسلامی، به مردان در انجام مقدمات مقاربت توصیه‌های مؤکدی شده و ایشان را از انجام دادن روابط یک‌سویه که منجر به عدم تلذذ زن گردد، نهی فرموده است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۱۸). از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «سه چیزند که جفا و ظلم‌اند ... سوم: آمیزش قبل از شوخی و ملاعبه است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۱۹). از این روایات این نکته به روشنی استظهار می‌شود که رابطه یک‌طرفه جنسی مردان، که در آن به نیاز جنسی زن توجهی نمی‌شود، از مصادیق ظلم بوده، و از عوامل تهدیدکننده امنیت جنسی زنان محسوب می‌شود.

۷-۲- ازدواج و تأمین امنیت جنسیتی

تکریم شخصیت زنان از عمده‌ترین مطلوبات شارع در تنظیم و بیان احکام خانواده است. در واقع از منظر اسلام تنها نهادی که می‌تواند علاوه بر تأمین نیازهای جسمی و روحی، موجب تکریم و تعظیم شخصیت زنان شود، خانواده است. در ادامه به بیان آثار تربیتی ازدواج از منظر شریعت اسلام پرداخته می‌شود.

الف) احساس رضایت از زندگی: نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی داشته و با اهمیت‌تر از نیاز جنسی است، براساس تعالیم مکتب اسلام یکی از مهم‌ترین و شاید اولین انگیزه ازدواج محسوب می‌گردد. ازدواج نیازهای عاطفی افراد را برآورده کرده، و میل و انگیزه زندگی را در آنها قوی می‌نماید. همه ما نوعی از رضایت از زندگی را در ازدواج جستجو می‌کنیم که اغلب بر مبنای احساسات ما نسبت به منزل و خانواده در کودکی بنا نهاده شده است. با تأسیس منزل شخصی، معمولاً قوس تکاملی فرد کامل می‌گردد. در شکل جدید زندگی، فرد گم کرده خود را که احساس استقلال است، درمی‌یابد و احساس بهتری خواهد داشت. احساس نیاز به شرکت و سهیم شدن فردی در علائق، آرزوها، امیدها و ناکامی‌ها باید با اهمیت تلقی شود (قلی‌زاده، ۱۳۷۶). از همین‌رو پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای مؤمن چه



سودی بهتر از زن شایسته که هرگاه او را می‌بیند، شادمان شود». رایان^۱ (۱۹۸۱) در پژوهشی نشان داد که مولفه‌هایی چون رضایت از میزان عشق و علاقه، دوستی‌ها، ارضای جنسی، زمان صرف شده در خانه و بچه‌ها، کمک به همسر در خانه، دوستان و رفتار خویشان و بستگان که در بستر ازدواج فراهم می‌شوند، از عوامل مهم رضایت از زندگی هستند (جلیلی، ۱۳۷۵).

ب) احساس امنیت: ازدواج در منطق قرآن کریم به وجود آورنده امن‌ترین و آرامش‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار می‌باشد. از این‌رو فردی می‌تواند احساس آسودگی و اطمینان کند که احساس تهدید نکرده و امنیت روانی داشته باشد. بدیهی است که تأمین امنیت روانی در گرو تأمین و ارضای نیازهای غریزی، فطری و معنوی انسان است. انسان از ماده انس، در طول زندگی خود بیش از هر چیز به سکوت، موانست و امنیت نیازمند است که از نظر اسلام بهترین عرصه تأمین این احتیاجات حریم خانواده می‌باشد (حسنی و همکاران، ۱۳۹۰). هنگامی می‌توان گفت افراد در جامعه از احساس امنیت یا امنیت روانی برخوردارند که فرد در خانواده از احساس کفایت، اعتماد و آرامش برخوردار بوده و وجودش از احساس دلهره و اضطراب و ترس رها شده باشد (حسین‌زاده، ۱۳۹۱). از این‌رو هرگاه مجموعه شرایط و زمینه‌هایی چون امنیت، ثبات، وابستگی سالم، حمایت، رهایی از ترس، نگرانی و آشفتگی نیاز به سازمان، نظام و قانون و محدودیت، داشتن حامی مقتدر و... از طریق ازدواج و در کانون خانواده برای بانوان تأمین شده باشد، می‌توان گفت وی واجد احساس امنیت است (عسگری و همکاران، ۱۳۹۰). در نتیجه عدم احساس امنیت زنان به معنای تهدید جنسیت زن است. یعنی تهدید ارزش نقش مادری، همسری و گاهی سرپرستی یک خانواده است و هرگونه آسیب و تجاوزی که زن و حریم زنانه او را از لحاظ جسمی و روانی تهدید کند، به نسل‌های بعد منتقل و موجب گسترش ویژگی‌های منفی در جامعه خواهد شد (شایگان و همکاران، ۱۳۹۰).

پ) شکوفایی استعدادها و عواطف زنانه: یکی دیگر از ثمره‌های پر بار ازدواج در حفظ و تأمین امنیت جنسیتی بانوان، امکان شکوفایی عواطف و استعدادهای خدادادی بانوان می‌باشد. در سایه ازدواج است که استعدادهای پاکی که در وجود زن نهفته، شکوفا می‌شود. از مهم‌ترین استعدادها و عواطف جنسیت زن، حس مادری و همسری است. مادر بودن در نگاه شریعت اسلامی از ارزش و مقامی بزرگ برخوردار است. این امر متناسب با ویژگی‌های زیستی و روانی زنان، برعهده آنان قرار گرفته است. خداوند در آیه ۲ سوره مجادله، مادران را کسانی می‌داند که اولادشان را به دنیا آورده‌اند. از این‌رو مادر و فرزند رابطه‌ای است که معلول گذراندن فرایند ویژه‌ای به نام بارداری و وضع حمل است و با اعتبارات بشری به وجود نمی‌آید، بلکه این رابطه، واقعیت عینی خارجی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۴۱۰). در حدیثی در خصوص اهمیت نقش مادر آمده: «در مورد حق مادرت باید بدانی که هنگامی تو را حمل

1. Ryan



می‌کرد که هیچ‌کس حاضر نمی‌شد کسی را حمل کند و باید بدانی که تو از شیر جانش تغذیه کردی، به گونه‌ای که هیچ‌کس برای هیچ‌کس اینگونه اطعام نمی‌کند و تو را با گوش و چشم و دست و پا و موی و پوست خود درک کرد و تمام اعضای بدنش درحالی که شادمان بود، به این گذشت و از نتیجه عمل خود خوشحالی می‌کرد. برای جنینی که در شکم داشت، همه رنج‌ها و ناراحتی‌ها و غم‌ها را تحمل کرد؛ تا اینکه به قدرت الهی ناگهان تو را به دنیا آورد و (از شیر خودش) تو را سیراب نمود، درحالی که خود گرسنگی می‌کشید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۷۱). در تبیین نقش زن و تکریم وی، به طور مشخص برخی روایات، نقش مطلوب زن در همسررداری به مثابه جهاد در راه خدا دانسته شده است» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳). امام باقر(ع) فرمودند: «فاطمه(س) در قبال امیرالمومنین علی(ع) کار در خانه، پختن نان و جارو کردن خانه را به عهده گرفت و علی(ع) در قبال فاطمه(س) کار در خارج از خانه را به عهده گرفت. همچنین حضرت فاطمه(س) فرمودند: «جز خدا کسی نمی‌داند که من چه اندازه خوشحال شدم از اینکه کارهای درون خانه به من واگذار شد و از کارهای بیرون خانه و معاشرت و تماس با مردان معاف شدم» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۱). از سوی دیگر با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان، نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشمگیرتر است. زن می‌تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست‌کم، سنگ صبور ناراحتی‌ها و آلام او باشد. زن با مهارت همسررداری می‌تواند علاوه بر آرامش‌بخشی به همسر، صفا بخش محیط خانواده باشد. از همین‌رو، پیامبر اکرم(ص) بالاترین سعادت مرد مسلمان را برخورداری از زنی شایسته دانسته (همان، ج ۷۳، ص ۱۵۵، ح ۳۵) و بهشت را زیر قدم‌های مادران توصیف نموده است (همان، ج ۷۱، ص ۸۶) در بسیاری از روایات نقش زن در فرزندداری مورد توجه ویژه قرار گرفته و عمل مادران در بارداری و سپس شیردادن برای زنان با مرزبانی در راه خدا برابری می‌کند و اگر زن در این دوران فوت کند، جایگاهی چون شهید خواهد داشت (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۵۶۱). همه اینها نشان‌دهنده جایگاه والای نقش زنان در شریعت اسلامی است. بنابراین، استعدادهای طبیعی مادری، همچون بارداری، زایمان و شیردهی در شریعت اسلامی دارای اهمیت و قابل توجه است. به گونه‌ای که زن را مستحق قدردانی و پاداش می‌کند. در حالی که در نظام‌های غربی که عمدتاً متأثر از نظریات فمینیستی هستند، به استعدادها و عواطف طبیعی زن مانند بارداری و زایمان، با نگاه و کارکردی حیوانی نگاه می‌شود، که با رشد و تعالی زن منافات دارد. از این‌رو در این نگاه این استعدادها به عنوان یک زحمت و مانع دیده شده که سعی می‌شود با شیوه‌ها و فناوری‌هایی مانند راه‌های پیشگیری از بارداری، بارداری خارج از رحم و تولید نوزادان آزمایشگاهی، خود را از قیدوبندهای زیستی زنانه آزاد کنند (بستان، ۱۳۸۸). این در حالی است که تجلّی احساس مادرانه و نیاز به فرزند در بسیاری از زنان به سادگی قابل مشاهده است؛ زیرا شدت احساسات و عواطف، از صفات بارز آنان بوده و مهم‌ترین عرصه تجلّی عاطفه و احساس، مادری کردن است و زن،



فقط با مادر شدن می‌تواند تمام ظرفیت‌های عاطفی خود را بروز دهد. همچنین، طبیعی بودن این گزینه باعث می‌شود پس از تولیدمثل، مرحله دوم تکثیر نسل که شامل «تداوم نسل» است، در نوع بشر تحقق یابد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۵). بنابراین، استعدادها و عواطف خدادادی زن زمینه‌ساز کمال وی بوده، که در محیط خانواده قابلیت تجلی دارد.

۷-۱-۳. ازدواج و تأمین اقتصادی زنان

یکی از عمده‌ترین اسباب و دلایلی که موجب نقض امنیت جنسی و حتی جنسیتی بانوان می‌شود، حضور مستمر آنان در جامعه جهت تأمین نیازهای اقتصادی است. حضوری مستمر و پر رنگ در بین مردان که علاوه بر به خطر افتادن امنیت جنسی آنان، جایگاه، استعدادها، ارزش و عواطف پاک آنان نیز به عنوان جنسیت زن تحت الشعاع قرار می‌گیرد. از این‌رو در اسلام پرداخت نفقه و مایحتاج روزمره بانوان به عنوان تکلیفی واجب برعهده مرد است، تا اینکه بانوان نیاز کمتری به حضور در جامعه پیدا کرده و بالتبع کمتر دچار مسائل نقض امنیت جنسی و جنسیتی شوند. در مقابل، مرد در خانه به مهر و محبت همسر خویش اتکاء می‌کند. این ساختار اقتصادی متناسب با جنسیت زن و مرد است که علاوه بر افزایش اعتماد به نفس، حس ارزشمندی و کرامت را نیز احساس خواهند کرد. زن مادری را دوست دارد، از این‌رو وظیفه تربیت فرزندان بر دوش او است، و از طرفی همسر است، و دل‌ربایی و مورد محبت قرار گرفتن را می‌پسندد. مجموعه این وظایف که بخشی از آن به صورت تکالیف حقوقی زن و بخشی در شریعت اسلامی از زن مطالبه شده، نیازمند شرایطی است که یکی از این شرایط، امنیت اقتصادی با تأمین نیازهای اقتصادی است. این نیاز در مجموعه نظام حقوقی و اخلاقی اسلام تأمین شده است، تا زن بتواند در عالی‌ترین منصب اجتماعی خویش، یعنی نقش خانه‌داری، بدون هیچ تهدید و ناامنی ایفای نقش کند. نهاد نفقه و اجرت‌المثل در اسلام، مشخص می‌کند که از نظر اسلام خدمات خانه‌داری یک فعالیت اقتصادی مفید و دارای ارزش اقتصادی است؛ یعنی برخلاف باور عمومی و حتی مسئولین دولتی که خانه‌داری را فعالیتی عاری از ارزش اقتصادی می‌پندارند و حتی شامل زنان از کارافتاده می‌دانند. از نظر اسلام خانه‌داری فعالیتی دارای ارزش اقتصادی است (غمامی، ۱۳۹۷، ص ۴۵). متأسفانه فقدان نهادهای قانونی و اجرایی در حمایت از خانه‌داری سبب شده جامعه بانوان مسلمان به راحتی تحت تاثیر شهرنشینی و تمدن غربی، از سبک زندگی اسلامی فاصله بگیرد، به طوری که اکنون یکی از چالش‌های خانواده و جامعه ایرانی، افزایش آمار تقاضای زنان خانه‌دار برای اشتغال در بیرون از منزل برای تأمین اقتصادی خویش است که تبعات منفی گسترده‌ای هم در بعد امنیت جنسی و جنسیتی بانوان و هم در بعد اجتماعی و تربیت فرزندان در خانواده به دنبال دارد. این در حالی است که در شریعت اسلام تشویق و ترغیب زیادی به پرداخت نفقه و تأمین مایحتاج بانوان شده است. تلاش مرد برای تأمین نفقه و مایحتاج خانواده، در منابع روایی از ارزش، اجر و ثواب ویژه‌ای برخوردار است. امیرالمؤمنین (ع) کسب روزی حلال و



ایجاد توسعه و رفاه در زندگی خانواده را از مصادیق حُسن خلق مرد برمی‌شمارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۹۵). از امام هفتم (ع) نقل شده است که فرمود: «کسی که در جستجوی رزق و روزی از راه حلال آن باشد تا خود و خانواده خود را اداره کند، همانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۴). مجموعه این احکام و آداب در حوزه خانواده به منظور سعادت زن و مرد و داشتن بیشترین رضایت از زندگی و مصون ماندن از خطرات و آسیب‌هایی است که ممکن است اعضای خانواده بالأخص بانوان را تهدید نماید.

۷-۴. آثار اطاعت‌پذیری زن از مرد در تأمین امنیت جنسی بانوان

زن و مرد در اسلام از یک احترام و ارزش ویژه‌ای برخوردارند. همچنین عزت و استقلال فردی می‌طلبد که رأی و نظر هر یک از زن و مرد، از جایگاه خاص خود برخوردار بوده و احترام خود را دارا باشد. اما پروردگار جهان برای زوج سلطه و نحوی از ریاست بر خانواده پیش‌بینی نموده است؛ و این نیست مگر به جهت برتری‌هایی که خداوند برای مردان نسبت به زنان قرار داده است، و نیز به خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان (در مورد زنان) می‌کنند (نساء، ۳۴). فلسفه این امر از آن جهت است که او در بعد جسمی و عقلی بر زن برتری داشته و برای اداره خانواده توانایی بیشتری دارد. علاوه بر این، تأمین هزینه زندگی نیز برعهده اوست. گرچه زن نیز از لحاظ عاطفی بر مرد غلبه دارد و هیچ کدام از این برتری‌ها، نشانگر نقص وجودی آنها نیست؛ بلکه هر یک متناسب با جنسیت خود، توانایی‌های خاصی دارند و هماهنگ کردن این توانایی‌ها با مسئولیت‌ها، سعادت خانوادگی زن و مرد را تأمین می‌کند. اگر اقتدار مرد که از ویژگی‌های درونی اوست، توسط فرزندان و مخصوصاً همسر حفظ و رعایت نشود، مرد برای تأمین این نیاز دست به مقابله زده و از اهرم‌های اعمال قدرت و خشونت مانند فریاد زدن استفاده نموده و یا خودخوری نموده و دچار خودکم‌بینی می‌شود و بدیهی است آثار مخرب این عدم تأمین نیاز، به همسر و فرزندان بازخواهد گشت، و امنیت و آسایش آنان دچار مخاطره می‌شود. اما گر زن بخواهد طبق مبانی فمینیسمی، به دنبال تساوی با مرد، در پی استقلال مالی خود باشد؛ و حس افزایش قدرت پیدا کند، قطعاً تسلیم خواست مرد نخواهد شد، امری که در رویه مکاتب فمینیستی و غربی تحقق پیدا کرده، نقش سازنده مرد در زندگی زیر سؤال رفته، و اصول مسلم انسانی همچون غیرت مخدوش شده است. تا آنجا که حتی در مسأله زناشویی و تمکین نیاز جنسی، رضایت و خواست زن، محور قرار گرفته شده است، و اگر زوج بدون رضایت همسر قانونی خود، در پی رفع نیاز جنسی بخواهد با همسر قانونی خود، رابطه جنسی برقرار کند، مرتکب جرم تجاوز جنسی شده، تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. همچنان که قانون ممنوعیت تجاوز زناشویی، برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ در ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا به تصویب رسید (خاک، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱-۱۴۶) و این شروع نزاع، و کاهش رضامندی زناشویی خواهد بود. در مواردی که زن تصمیم‌گیرنده است، رضایت زناشویی پایین‌تر است (بنی فاطمه و طاهری، ۱۳۸۸).



اهمیت تفکیک جنسیت در شریعت اسلامی در نظام معیشت انسانی، امری منطبق بر واقع و متناسب با واقعیت‌های عینی هر یک از دو جنسیت است و چشم بستن بر این واقعیت‌ها، جز اختلال در نظام معیشتی و انحراف بشر، چیز دیگری را به ارمغان نخواهد داشت. رعایت این مرزبندی و توجه به آن تا آنجا اهمیت دارد که حتی برای اقامه نماز که امری عبادی است، نیز جایی برای چانه‌زنی نگذاشته است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است، در حالی که بیست و پنج درجه فضیلت دارد» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۳۳). امام صادق (ع): «بهترین مساجد برای زنان شما، خانه‌هایشان است» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۳۸). بنابراین، توصیه اسلام به زن این است که محور فعالیت‌های خود را در خانه بجوید، گو اینکه اسلام کمال زن و نقش زن در زندگی کانون خانواده را در این می‌بیند که وی به امور خانه، شوهرداری، و تربیت فرزندان پرداخته و تا حد امکان امور مربوط به خارج از خانه را به مردان بسپارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بهترین زنان کسی است که فرزندآور، مهربان، عفیف، و در میان اهل خود، گرمی باشد؛ آنکه با همسر خود نرم و آرام است و برای شوهرش زینت می‌کند و در قله‌های محکم عفت، خود را حفظ می‌نماید. پر واضح است که اشتغالات به این امور جز در خانه محقق نخواهد شد. همچنین لازمه عقلی و طبیعی پرداختن به این امور در خانه، مصون ماندن زن از خطرات و آسیب‌هایی است که ممکن است در خارج از خانه، بانوان را تهدید نماید.

۷-۲. کارکرد پاره‌ای از احکام تنظیم‌گر روابط اجتماعی در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی بانوان

نگاه اسلام به احکام خانواده و تنظیم روابط افراد در نظام معیشت، مبتنی بر امور عینی و واقعی است. از این‌رو محدودیت‌ها و باید و نبایدها در این نگاه جز برای تأمین امنیت افراد، بویژه زنان، و سعادت آنان نیست. در ادامه به بررسی و تحلیل احکامی پرداخته خواهد شد که نقش موثری در شناخت جنبه‌های دیگری از جنسیت بانوان و تأمین امنیت آنان دارد.

۷-۱. نقش حجاب و عفاف در تأمین امنیت جنسی دختران و زنان جامعه اسلامی

یکی از احکام و سیاست‌هایی که موجب استحکام، گرمی و مصونیت خانواده از فساد و تباهی شده، و جریان زندگی بشر را در مسیر اصلی خود قرار می‌دهد، پوشش و حجاب اسلامی است. قرآن کریم سیاست ایجاد مانع بین زن و مرد را نخستین حرکت سامان‌بخش و سلامت‌آفرین اجتماع می‌داند و می‌فرماید: «والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین» (مومنون، ۵-۶). در جوامع غیراسلامی که این سیاست در باور و قوانین آنها جایگاهی ندارد، وضعیت به گونه دیگری است. مطابق تحقیقات «کالج ملی مطالعه زنان قربانیان جنسی» این نتیجه مشهود است که بین یک‌سوم تا یک‌ششم، زنان ایالات متحده در طول زندگی خود مورد نوعی آزار جنسی قرار گرفته‌اند (۱۷/۷ میلیون زن قربانی هتک حرمت یا تلاش برای هتک حرمت قرار گرفته‌اند)، که ۸۳ درصدشان زیر



۲۵ سال بوده‌اند. هزینه سالانه خشونت و آزارهای گوناگون جنسی در کانادا سالانه بالغ بر ۴۲۲۵ میلیارد دلار است. همچنین در اروپا از هر سه کودک، یکی نامشروع است (تقوی، ۱۳۸۸). از این رو پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری، مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازدارنده باطنی و از همه مهم‌تر امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد (حداد عادل، ۱۳۸۲، ص ۴۰). مونتسکیو^۱ در کتاب «روح القوانين» می‌نویسد: قوانین طبیعت حکم می‌کند زن خوددار باشد؛ زیرا مرد با تهور آفریده شده است و زن نیروی خودداری بیشتری دارد. بنابراین، تضاد بین آنها را می‌توان با حجاب از بین برد و براساس همین اصل، تمام ملل جهان معتقدند که زنان باید حیا و حجاب داشته باشند (علویقی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). پوشش و حجاب به عنوان یک سیاست، مانع از روابط آزاد زن و مرد شده، عمده‌تأثیر از کارکرد اجتماعی برخوردار است؛ حجاب غریز، التهابات جسمی و معاشرت‌های بی‌بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده افزوده، امنیت جنسیتی بانوان را فراهم می‌سازد. از همین رو خداوند علت این سیاست را طهارت قلب از وسوسه‌ها و تحریکات جنسی اعلام داشته و می‌فرماید: «و إذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب، ۵۳). در تایید این علت، امام رضا(ع) نیز چنین به تبیین فلسفه حجاب پرداخته و می‌فرماید: «حَرَّمَ النَّظَرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۳۴). «نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرامی‌خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته». از این رو اهتمام شارع به احکام پوشش، مبین واقعیتی عینی از جاذبه‌های جنسیت زنان است، که در صورت عدم رعایت آن علاوه بر افزایش تهدید و نقض امنیت جنسی و حتی جنسیتی زنان، از عمده اسباب انحراف و تبانی مردان نیز محسوب می‌شود.

۲-۲-۷. نقش کنترل نگاه و رفتارهای مهیج شهوت در تأمین امنیت جنسی و جنسیتی دختران و زنان

جامعه اسلامی

کنترل نگاه‌های هوس‌آلود، در کنار پوشش مناسب، از زمینه‌های تقویت امنیت جنسی بانوان در جامعه است. در روایات نیز به این امر اشاره شده که امام صادق(ع) می‌فرماید: «نگاه بعد از نگاه -استمرار دادن به نگاه و خیره شدن- تخم شهوت را در قلب می‌پاشد، و همان کافی است که بیننده را به فتنه بکشاند.» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۸). این عامل آنقدر خطرناک بوده که خداوند به صراحت دستور می‌دهد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ، وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور، ۴۱-۴۰). نگاه‌های هوس‌آلود از سوی زنان موجب جری شدن و

1. Montesquieu



تحریک مردان خواهد شد. همچنین برخی از پژوهشگران، عادت بیمارگونه دیدن عکس یا فیلم‌های پورن را با مصرف مواد مخدر مقایسه می‌کنند و مدعی هستند که دیدن صفحات پورنو در اینترنت، تفاوتی با استعمال مواد مخدر ندارد. این پژوهشگران بر این باورند که تنها یکبار دیدن تصاویر پورن برای ابتلا به اعتیاد کافی است؛ چراکه کاربر به تمایلات جنسی انحرافی که از وجود آنها بی‌اطلاع بوده، پی می‌برد (فیاض و بختیاروند، ۱۳۹۷) عمده‌ترین آسیب اصرار بر نگاه‌های هوس‌آلود، تضعیف اراده در مواجهه با گناه است. به گفته برخی نویسندگان «سنگ‌بنای بسیاری از روابط نامشروع، یک نگاه شهوت‌آلود است»؛ چراکه نگاه‌های خیره، قوه لذت‌جویی را در شخص بیدار کرده، ذهن وی شروع به تصویرسازی نموده و یک تصویر کامل از خصوصیات پیدا و پنهان طرف مقابل را تصویرسازی می‌کند. به این شکل ذهن در دنیای خیالات خود می‌تواند با آنچه چشم دیده، رابطه جنسی ذهنی برقرار کند که از آن به زنا‌ی ذهنی یاد می‌شود (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲-۱۱۴) که عمده‌تأ اشخاص بعد از این، سعی و اقدام به کامجویی خواهند نمود که خود از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز ناامنی جنسی برای بانوان است.

۷-۲-۳. خودآرایی و تبرج

تبرج به معنای ظهور و آشکار ساختن است. خودآرایی با خودنمایی مترادف بوده و به معنای تبرج است. از نظر روان‌شناختی، خودآرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به‌شمار می‌آید و باید مورد احترام و توجه مرد قرار گیرد، تا به علت پاسخ نگفتن به این نیاز فطری، آسیب‌های روحی - روانی بر زن وارد نشود (معین‌الاسلام و طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷). این خصیصه غریزی بوده و از نظر منابع اسلامی مورد تأیید است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خداوند زنان را از سرشت مردان آفریده؛ از این‌رو، تمام همت خود را در جذب مردان و نزدیک شدن به آنان صرف می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۷) و توصیه‌های اسلامی از این ویژگی زن غفلت ننموده و با توصیه‌های فراوان مبنی بر زینت داشتن و آرایش نمودن زن برای همسرش در محیط منزل، ضمن تأیید این غریزه، به آن پاسخ مناسب داده است (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۹۶)، اما ممکن است این ویژگی زن را به سوی افراط در خودنمایی کشانده، وی به سمت به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم سوق داده شود. قرآن کریم نیز این عامل را به عنوان عاملی که نه تنها امنیت جنسی آنان را به مخاطره می‌اندازد، بلکه از عوامل افول جایگاه اجتماعی بانوان در جامعه (نقض امنیت جنسیتی) یاد کرده است (احزاب، ۳۳). چراکه خودآرایی و خودنمایی زن در بیرون از خانه و در اجتماع، به مرور زمان نه تنها ارزش جنسیت آنان را در زیبایی ظاهری محدود می‌کند، بلکه باعث بروز نگرانی‌هایی برای آنها خواهد شد، برای مثال این تصور که آیا با صرف این همه وقت و هزینه مالی توانسته‌اند جلب‌نظر دیگران بکنند، و مورد پسند آنان واقع شوند یا بالعکس، مورد تمسخر و تحقیر آنان قرار گرفته‌اند، می‌تواند دائماً ذهن آنها را به خود مشغول کرده، موجب بروز اختلالات روحی-روانی گردد. علاوه بر آن، گذشت زمان و از دست دادن زیبایی ظاهری و نسبی بودن



زیبایی که ممکن است زنان جوان‌تر و زیباتر جای آنها را در دل مشتریان پر کند، دغدغه‌هایی هستند که جز اضطراب و استرس مشکلی را حل نخواهند نمود (جوکار، ۱۳۹۲). تبرج لزوماً مصداقی از مصادیق بی‌حجابی تلقی نمی‌شود، بلکه ممکن است فردی با پوشش لباسی که موجب جلب توجه دیگران شود، اقدام به خودنمایی کند. از این‌رو حجاب مد نظر شرع مقدس اسلام، پوششی است که عاری از هرگونه جلب توجه نامحرم شود. بنابر آنچه گذشت، راهکارهای اسلام مبنی بر حجاب و پوشش مناسب زن در مقابل نامحرمان، پرهیز از نگاه‌های خیره، و پرهیز از خودآرایی و خودنمایی در جامعه، در کنار اصرار و تأکید روایات مبنی بر خودآرایی، نشان دادن اشتیاق به رابطه زناشویی و... همه و همه از عوامل آرامش زن و مصونیت وی از بسیاری از ناامنی‌های جنسی و جنسیتی و نگرانی‌های ناشی از آن خواهد بود.

۸. نتیجه‌گیری

با تحلیل احکام فقهی می‌توان به سیاست‌ها، اهداف و روش‌های شریعت اسلامی در تنظیم معیشت افراد و جامعه پی برد. آنها را ضابطه و قاعده‌مند ساخت و در قوانین، آیین‌نامه و دستورالعمل‌های نهادهای اجرایی به کار گرفت. در این پژوهش با تحلیل بعضی از احکام خانواده، راهکارهای متعددی در خصوص امنیت جنسی و جنسیتی بانوان ارائه شد که مهم‌ترین آن کارکردها و آثار ازدواج با تبعیت از دستورالعمل‌ها و وظایفی است که شریعت اسلامی برای هر یک از زوجین توصیه کرده است. همچنین از خلال تحلیل بعضی از احکام مربوط به پوشش، نگاه و تنظیم روابط زن و مرد، سیاست حداقلی ارتباط زن و مرد در جامعه و تفکیک جنسیتی در شئون مختلف شناسایی گردید و رمز سلامت نظام معیشتی و تأمین امنیت جنسی و جنسیتی زنان در اشتغال آنها به امور متناسب با جنسیت خودشان مشخص شد. پیشنهاد می‌شود محققان حوزه خانواده، بویژه محققان حوزه زنان به تحلیل تربیتی و جامعه‌شناختی احکام، آداب و دستورات اسلامی پرداخته و سیاست‌های نظام خانواده در اسلام را منقح و در اختیار نهادهای آموزشی - تربیتی و حتی قانونگذاری قرار دهند.



منابع

قرآن کریم.

- آقامحمدیان شهرباف، حمیدرضا، رضاقلی‌زاده، تکتم؛ عوضی، معصومه؛ پشتیبان، حبیبه (۲۰۳۳). بررسی رضایتمندی زناشویی و رابطه آن با طلاق. در: اولین همایش سراسری خانواده و مشکلات جنسی، ص ۱۰-۱۵.
- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۰ق). تهذیب اللسان العرب. بیروت: دار صادر، ج ۱۳، ۱.
- ابوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: انتشارات نشر نی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). ظرفیت طبیعی امنیت: مورد مطالعاتی قومیت و خشونت در ایران. مطالعات راهبردی، شماره ۵-۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۷). اصول الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه اسلامی. پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، شماره ۲۵، ص ۱۵۵-۱۸۲.
- بخشایش، علیرضا؛ مرتضوی، مهناز (۱۳۸۷). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین. روانشناسی کاربردی، ۳(۴)، ص ۷۳-۸۵.
- بستان، حسین (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ طاهری، طاهره (۱۳۸۸). تعیین عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل آذرشهر. جامعه‌شناسی، ۱(۲)، ص ۲۹-۷.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پاتریشا، ویتورا (۱۹۸۰). قلمرو بدن زن: امنیت، لذت و خودمختاری، نظریه فمینیستی. انتشارات ساگ.
- تقوی، سهیل (۱۳۸۸/۱/۲۷). حجاب از منظر قرآن. روزنامه ایران.
- جلیلی، فریبا (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه عوامل موثر در رضامندی زنان شاغل و خانه‌دار از زندگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- جمشیدی، اسدالله (۱۳۸۵). زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی‌شناسی زن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). الگوی تقویت حیات در سبک زندگی اسلامی. معرفت، ۲۲(۱۸۶)، ص ۷۱-۸۶.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۲). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: سروش.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، ج ۱۲، ۲۰-۲۱.
- حسینی، رمضانعلی و همکاران (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی و خوش‌بینی آموخته شده روانی. روانشناسی و دین، ۴(۴)، ص ۷۵-۱۰۲.
- حسین‌زاده، علی حسین (۱۳۹۱). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی سیاسی بر احساس امنیت. مطالعات مدیریت انتظامی، ۷(۱)، ص ۴۰-۵۶.
- خاک، روناک (۱۳۸۷). جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری. مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۵(۳۹).



- خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۶). رابطه احساس امنیت اجتماعی و نگرش مذهبی. پژوهش علوم انسانی، شماره ۲۵، ص ۱۸-۲.
- دو بووآر، سیمون (۱۴۰۴). جنس دوم. مترجم قاسم صنعوی. انتشارات توس.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). لغتنامه دهخدا. تهران: سازمان لغتنامه، ج ۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن الکریم. بیروت: دارالقلم، ج ۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). دائرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- سلطانی، سید مهدی (۱۳۸۳). حجاب و امنیت اجتماعی. مکتب اسلام، شماره ۷.
- شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم: مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ج ۳.
- شایگان، فریبا؛ رستمی، فریبا (۱۳۹۰). هویت اجتماعی و احساس امنیت. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۹، ص ۱۸۲-۱۴۹.
- شهیدی، عباسعلی (۱۳۹۷). بررسی رابطه عمل به باورهای دینی با احساس امنیت اجتماعی. پژوهش های اعتقادی-کلامی، شماره ۳۱، ص ۱۱۸-۱۰۳.
- شیخ الاسلامی، علی و همکاران (۱۳۹۶). پیش بینی تعهد زناشویی براساس رضایت جنسی. دین و سلامت، (۱)۵، ص ۳۱-۲۱.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول. قم: دارالصدر، ج ۱.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، ج ۳-۴، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). امالی. تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی، چاپ چهارم، ج ۱.
- عسگری، پرویز و همکاران (۱۳۹۰). مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه دار. اندیشه و رفتار، (۲۱)۶، ص ۹۵-۱۱۵.
- علویقی، علی اکبر (۱۳۸۵). زن در آینه تاریخ. تهران: انتشارات صاحب اثر.
- غلامی، یوسف (۱۳۸۱). جلوه نمایی زنان و نگاه مردان. قم: انتشارات لاهیجی.
- غمامی، زهرا سادات (۱۳۹۷). الگوی اسلامی امنیت اقتصادی زنان خانه دار. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۸، ص ۵۰-۲۹.
- فروتن، سید کاظم؛ اخوان تقوی، محمدحسین (۱۳۹۰). بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده. قضاوت، (۷۱)۱۱.
- فیاض، ایراندوخت؛ بختیاروند، مریم (۱۳۹۷). هرزه نگاری جنسی، چالشی فراوری تربیت جنسی از دیدگاه اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۹، ص ۷۵-۱۰۵.
- فیومی، ابوالعباس (۱۴۲۸ق). مصباح المنیر. بیروت: انتشارات عصریه.

- قاسمی، هاجر السادات (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی روابط زوجین: لایه‌های زیرین ناسازگاری. *حوراء*، شماره ۲۹، ص ۵۸-۴۲.
- قلی‌زاده، فرض‌الله (۱۳۷۶). ازدواج و اهداف آن. *پاسدار اسلام*، شماره ۱۸۵، ص ۱۰۲-۸۵.
- قنادان، منصور (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*. تهران: آوای نور.
- کجباف، محمداقبر (۱۳۸۴). رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۷، ص ۱۴۴-۱۱۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *کافی*. قم: دارالحديث، ج ۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- مجلسی، محمداقبر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۷۷، ص ۱۴-۱۵، ۴۳، ۱۰۴، چاپ دوم.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم.
- مرعشی، سید علی (۱۳۹۰). *تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی: اضطراب وجودی*. رساله دکتری. دانشکده نفت اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- معین الاسلام، مریم؛ طیبی، ناهید (۱۳۸۰). *روانشناسی زن در نهج البلاغه*. قم: عطر سعادت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۳.
- مومنی، عابدین (۱۳۸۷). امنیت اخلاقی از منظر قرآن کریم و پیامبر اعظم. *بصیرت و تربیت*، شماره ۱۰.
- میراحمدی، مریم (۱۳۹۲). *بازخوانی امنیت زنان در گفتمان فمینیستی*. انتشارات: طهوری.
- میرعرب، مهرداد؛ سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۷۹). نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت. *علوم سیاسی*، شماره ۹، ص ۱۴۲-۱۳۳.
- نجاریان، فرزانه (۱۳۷۵). *عوامل مؤثر در کارایی خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- نرسیانسن، امیلیا (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی جنسیت*. تهران: نشر افکار سازمان میراث فرهنگی.